



یادداشت

پیش از آنکه کرونا درب خانه هایمان را بزند، به فکر چاره باشیم!

صادق کار



براستی شرم آور است که مردم کشور ما برای زدن واکسن رایگان به کشور ارمنستان که بر خلاف کشور ما فاقد منابع عظیم نفت و گاز و معدنی دیگر است یا به ترکیه بروند. کشور ما از بنیه مالی و توان پزشکی کافی برای کنترل بیماری کرونا برخوردار است. بنا بر این دلایل اینکه چرا ما نتوانسته‌ایم مانند بسیاری از کشورها که حتی امکانات کمتری دارند از تبدیل بیماری به فاجعه جلوگیری کنیم، هیچ چیز جز ناکارآمدی، فساد و حماقت سران و کارگزاران دزد و غارتگر و جنایتکار رژیم نیست. هم از این برای مهار فاجعه خود مردم باید قبل از اینکه کرونا درب خانه هایشان را بزند به فکر چاره بیفتند. اعتراضات تا کنونی عالی ولی به هیچ وجه برای مهار فاجعه و به مجازات رساندن عوامل آن کافی نیست. تنها با اعتصابات و تظاهرات گسترده است که می توان بر فاجعه و عوامل آن فاتح شد

اعتراضات مردمی علیه عاملان حکومتی گسترش فاجعه بار کرونا که در ماه های اخیر در حال افزایش بود در هفته های اخیر به دلیل گسترش جهشی شمار مبتلایان و قربانیان آن و فلج شدن سیستم درمانی کشور در اثر فشار ناشی از آن به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا کرده است. در هفته گذشته نیروهای امنیتی سرکوبگر رژیم شش تن از وکلای شجاعی را که در صدد تهیه ادعانه‌های به جهت محاکمه و مجازات عوامل گسترش فاجعه بودند دستگیر نمودند. متعاقب آن عده دیگری تلاش کردند با جمع آوری امضاء کار ناتمام وکلا را به سرانجام برسانند. همزمان با این تحرکات و به دنبال انتشار بیانیه‌ای از طرف شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت با درخواست واکسیناسیون همگانی و رایگان کارگران ۲۲ شرکت پتروشیمی در منطقه عسلویه با خواست واکسیناسیون فوری مبادرت به اعتصاب نمودند. قبل از آن نیز کارگران اورهال پارس و شهرک صنعتی بابک خواستار انجام واکسیناسیون شده بودند. سندیکاها و تشکلهای کارگری و کانونهای صنفی معلمان و تعداد دیگری از نهاد های مدنی نیز مدتی پیشتر بطور رسمی همین خواسته را طلب کرده بودند

درخواست واکسیناسیون توسط کارگران البته از همان نخستین ماه های شیوع کرونا و پس از درز کردن خبر کشته شدن شماری از کارگران کارخانه های قطعه سازی شروع شد. کارگران عسلویه و بندر امام از آن موقع تا اعلام اعتصاب شان در این هفته بارها علیه رعایت نشدن پروتکل های کرونایی توسط کارفرمایان و واکسینه نشدن بارها تجمع های اعتراضی وسیع برگزار کردند



با این همه تا هفته گذشته که کارگران ۲۲ شرکت بطور جمعی مبادرت به اعتصاب کردند، مقامات دولتی با وجود افزایش روز افزون قربانیان کرونا توجهی به این اعتراضات نمی نمودند. گسترش دامنه اعتراضات میان گروه های اجتماعی و کارگران، اما ظاهراً آنها را وادار به تکاپو کرده است. این تکاپو البته نسبت به وسعت فاجعه و ملزومات مقابله موثر با آن البته نا کافی است و بطوریکه گزارشهای سانسور شده رسانه ها هم نشان می دهد نتوانسته حتی از ازدیاد قربانیان فاجعه جلوگیری کند. یقیناً اگر این اعتراضات و تحرکات نبود همین اقدامات محدود هم بعید بود توسط حکومت انجام شوند.

در مورد چگونگی ایجاد این فاجعه و عوامل و بانیان آن تا کنون بسیار گفته اند و تکرار آنها چیزی از ابعاد و ضایعات فاجعه کم نمیکند. مقصر اصلی این فاجعه و جنایت علی خامنه ای در هفته گذشته مجبور شد همه ادعاهای ابلهانه اش در مورد بیماری و واکسن را پس بگیرد و به غلط کردن بیفتد. با این همه همچنان که همه دیدند و دیدیم با تاکید بر اجرای مراسم محرم و برگزاری این مراسم نتیجه همان مقدار ناچیز اقدامات برای مهار کرونا را بر باد فنا داد.

اکنون خودشان اعلام کرده اند که آمار قربانیان کووید ۱۹ از ۱۰۰ هزار نفر گذشته است. البته همه می دانند و خیلی از مسئولین نیز اذعان کرده اند که رقم واقعی کشته شدگان دونیم تا سه برابر آمار جعلی رژیم یعنی به واقع بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار نفر است که از تعداد کشته شدگان ایران در جنگ ۸ ساله تا کنون بیشتر است و بدبختانه تعداد قربانیان آن همچنان در حال فزونی است. رفع خسارت مالی ناشی از این فاجعه اجتناب پذیر و رفع عواقب و اثرات آن روی زندگی و روان مردم هم به این زودی ها بخصوص با وجود این رژیم فاسد و نالایق بی توجه به زندگی و جان مردم، سالها وقت می برد.

عدهی قلیلی از مردم که توان مالی دارند به ناگریز با سفر به کشورهای همسایه خود را واکسینه نموده اند. خیلی ها هم با فروش وسایل زندگی خود به ناگریز هزینه سفرشان را تامین کرده اند.

اینها اما تعداد کمی از مردم کشور ما هستند که بضاعت مالی این کار را اغلب شان دارند. قریب ۹۰ درصد مردم اما متاسفانه امکان مالی لازم برای این کار ندارند و بیشتر مبتلایان و قربانیان نیز از میان آنها هستند. همین ۱۳ درصد از مردم که می گویند واکسینه شده اند هم کلی پول بابت واکسینه شدن پرداخت کرده اند از همه اینها بدتر وضعیت کسانی است که به دلیل کمبود تخت، در خانه های شان بستری هستند و خودشان مجبورند هزینه های معالجه شان را با وجود گرانی دارو و اکسیژن تامین کنند می باشد. و بدتر از اینها وضعیت آن کسانی است که بضاعت مالی خرید دارو را هم متاسفانه ندارند. پزشکان و متخصصان شرط مهار و کنترل را در واکسینه شدن همگانی، قرنطینه کردن بیماران و تامین معاش و داروی مبتلایان می دانند. اما هیچ یک از اینها حداقل تا کنون عملی نشده اند. علت اصلی تبدیل بیماری به فاجعه نیز رعایت نکردن این موارد است.

براستی شرم آور است که مردم کشور ما برای زدن واکسن رایگان به کشور ارمنستان که بر خلاف کشور ما فاقد منابع عظیم نفت و گاز و معدنی دیگر است یا به ترکیه بروند. کشور ما از بنیه مالی و توان پزشکی کافی برای کنترل بیماری کرونا برخوردار است. بنا بر این دلایل اینکه چرا ما نتوانسته ایم مانند بسیاری از کشورها که حتی امکانات کمتری دارند از تبدیل بیماری به فاجعه جلوگیری کنیم، هیچ چیز جز ناکارآمدی، فساد و حماقت سران و کارگزاران دزد و غارتگر و جنایتکار رژیم نیست. هم از این مهار فاجعه خود مردم باید قبل از اینکه کرونا درب خانه هایشان را بزند به فکر چاره بیفتند. اعتراضات تا کنونی عالی ولی به هیچ وجه برای مهار فاجعه و به مجازات رساندن عوامل آن کافی نیست. تنها با اعتصابات و تظاهرات گسترده است که می توان بر فاجعه و عوامل آن فاتح شد.

دولت موظف است واکسن و معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را تامین کند!

تجربه تعاونی موندراگون بخش دهم و پایانی

خاسر ناراندباران و خاور لزاون



چنان که متذکر شدیم، موندراگون یک تعاونی یا حتی یک شرکت فوق تعاونی نیست. نسل نخست کارگر-اعضای آن غالباً برای توصیف کوششهای شان از این عبارت استفاده می کنند که "ما در تجربه ای برای تعاون شرکت کردیم". شاید این توصیف بهترین راه برای فهم موندراگون باشد: موندراگون نه به عنوان یک رشته شرکتهای جاافتاده، یا به عنوان شرکتی با مدل سازمانی و فلسفه مدیریتی خاص و مشخص، بلکه به عنوان نوعی از عمل که به مرور زمان و به فراخور آن تغییر می کند، از دستاوردها و شکستهای مخصوص به خود برخوردار می شود، و در کمال خود تعهد بنیادین به قدرت رهانبیخش انجمن گرانی تعاونی و مالکیت کارگری را تجسد و تحقق می بخشد

6. بازسازی موندراگون – ادامه

می توان گفت که تجربه موندراگون یک تجربه سعادتمند در جهانی است که در دهه های گذشته، یعنی در دوران حیات آن، با آشوبهای سیاسی و درگیری های خشونت آمیز بسیار همراه بوده است. اکنون چالش پیشاروی تعاونی موندراگون انطباق با محیط اجتماعی و اقتصادی دینامیکی است که دیگر شباهتی به شرایط فقرزده و منزوی اولینی، که آزمون تعاون را ایجاب می کرد و به آن نیرو می بخشید، ندارد. قابل انکار نیست که رفاه نسبی منطقه "روح تعاون" را فرسوده است. کارگر-اعضای تعاونیهای موندراگون اکنون چندان از دیگر اعضای اجتماعات شان متمایز نیستند: آنها نیز غالباً خواهان بهره مادی ناشی از مشارکت شان در تعاونیها - ایمنی شغلی، دستمزد بالاتر و از این دست - در ورای و مقدم بر تعهدشان به وصول و ارزشهایی اند که در بدو امر به تأسیس این تعاونیها راه بردند. یا دقیقتر بگوئیم، آنها تمایل دارند این دو بعد - یعنی نفع شخصی و تعهد به یک شرکت تعاونی - را وجوهی مجزا و جدا از زندگی کاری خود تلقی کنند. تا



آنجا که بزرگترین و قدیم ترین تعاونیهای گروه موندراگون مطرح اند، کارگر - اعضای جدید آنها به سازمانهایی پا می گذارند که سالها پیش از تولد آنان تأسیس شده اند و اکنون ابعادی بس بزرگتر از تعاونیهای را دارند که پیشینیان آنان ایجاد کردند. به علاوه کارگر-اعضای تعاونیها با همان روندهای تغییر فرهنگی و ایدئولوژیکی مواجه اند که دیگر اعضای جوامع شان. آزکاراگا (Azkarraga) و همکارانش، در تحقیقی پیرامون تغییرات موندراگون، به این نتیجه رسیدند که «روند "وانهادن ایدئولوژی" (de-ideologization) تمام جامعه را و بنابراین نهادهای تعاونی را نیز، به عنوان عضوی از جامعه، متأثر کرده است.»

چنان که متذکر شدیم، موندراگون یک تعاونی یا حتی یک شرکت فوق تعاونی نیست. نسل نخست کارگر-اعضای آن غالباً برای توصیف کوششهای شان از این عبارت استفاده می کنند که "ما در تجربه ای برای تعاون شرکت کردیم". شاید این توصیف بهترین راه برای فهم موندراگون باشد: موندراگون نه به عنوان یک رشته شرکتی جافتاده، یا به عنوان شرکتی با مدل سازمانی و فلسفه مدیریتی خاص و مشخص، بلکه به عنوان نوعی از عمل که به مرور زمان و به فراخور آن تغییر می کند، از دستاوردها و شکستهای مخصوص به خود برخوردار می شود، و در کمال خود تعهد بنیادین به قدرت رهائیبخش انجمن گرائی تعاونی و مالکیت کارگری را تجسد و تحقق می بخشد.

انتقاد از کاستیهای این تجربه عملی یکی از مشخصه ها و عناصر شاکله تعاونیهای موندراگون از بدو تأسیس آن بوده است، و ما در این نوشته برخی از برجسته ترین اهداف این رویکرد انتقادی را به دست داده ایم. و همین واقعیت که این رویکرد انتقادی وجود دارد و پابرجاست، توأم مبین قوتها و ضعفهای این جنبش است، زیرا یک رویکرد انتقادی جافتاده و پابرجا به این معناست که تحقق عملی تجربه موندراگون هنوز و همیشه می تواند مطابق با ایده، اصول و ارزشهایی باشد که شصت سال پیش، با ایجاد اولین تعاونی ها، تعیین شده بودند؛ یعنی این کیفیت ایده آل که یک شیوه اقتصادی غیرسرمایه داری مبتنی بر درک شخصی گرا از کارگر هنوز زنده، و در کار تعاونی ها فعال است؛ حتی اگر گاهی اوقات پژواکی داشته باشد که به دشواری شنیده شود.

سواى موفقیت اقتصادی بسیاری از شرکتیهای گروه موندراگون، شاید بتوان مهمترین دستاورد جنبش تعاونی موندراگون را چنین به دست داد: تداوم و عمر طولانی یک آزمون خودمدیریتی مشارکتی، و ارزش این آزمون به عنوان نمونه ای از هم پتانسیلها و هم دشواریهایی که هر تلاش مشابهی با آنها روبرو خواهد شد؛ در زمانه و در جهانی تحت سلطه مجموعه ای از ارزشهای بسیار متفاوت و اغلب ناسازگار.

**به سرکوب سندیکاها و تشکلهای کارگری مستقل و پیگرد فعالین
سندیکایی و کارگری پایان دهید!**



بازی موش و گربه تشکلهای حکومتی با کارگران و مطالبات کارگری

صادق



عبدملکی علاوه بر داشتن خط فکری و مسلکی مونتلفه، حزبی که بیشترین نقش را در از میان برداشتن مواد حمایتی قانون کار داشته است، در برنامه اش مواردی را گنجانده که در تقابل با مواضع ظاهری خود این به اصطلاح تشکلهای قرار دارند. آدم می ماند که قسم حضرت عباس آنها را باور کند، یا دم خروس شان را! حمایت از وزیری با این سابقه و برنامه را هیچ طور دیگری جز همدستی با دشمنان طبقه کارگر نمی توان تعبیر کرد

سرکردگان تشکلهای حکومتی در این هفته با صدور بیانیه و انجام مصاحبه هایی که توسط خبرگزاری ایلنا متن آنها منتشر شد، بصورت یک پارچه از وزیر کار پیشنهادی ابراهیم رئیسی رئیس جمهور قاتل و جنایتکار رژیم حمایت و از نمایندگان مجلس نیز خواستند به او رای بدهند. در همان حال دوتن دیگر از آنها در همین خبرگزاری از برنامه وزیر جدید کار که انتخاب اش قطعی به نظر می رسد به انتقاد پرداخته و نسبت به اجرای آن ابراز نگرانی کردند. که البته بیشتر به جهت خالی نبودن عریضه بود و تاثیری هم روی نظر وزیر نخواهد گذاشت. اتفاقاً وزیر تازه برای اجرای همان مواردی در نظر افتاده است، که دو تن از نمایندگان تشکلهای حکومتی در شورای عالی کار نسبت به وجود آنها در برنامه ابراز نگرانی کرده اند. این نکته را خود این آقایان بهتر از هر کس هم می دانند و قبلاً توجیه هم شده اند

از ابتدای سرهم بندی کردن شوراهای اسلامی کار توسط حزب ارتجاعی و ضد کارگری جمهوری اسلامی تا کنون ۱۲ دولت روی کار آمده و رفته اند. شوراهای اسلامی کار در این مدت از همه دولتها به استثنای دولت احمدی نژاد حمایت و نقش دستیار و چشم و گوش آنها را داشته اند

حتی یک مورد به غیر از دولت احمدی نژاد وجود ندارد که آنها از دولتی اعم از اینکه اصلاح طلب، اصولگرا و غیره خودش را خوانده باشد حمایت نکرده و برای آن کلی حسن و مزایای کاذب نتراشیده و به خورد مردم نداده باشند

آنها در همه دولتهای گذشته به استثنای دولت احمدی نژاد از طریق رهبری شان در خانه کارگر و حزب اسلامی کار، و حضورشان در حزب جمهوری اسلامی و حزب کارگزاران سازندگی و مشارکت و دیگر احزاب اصلاح طلب در ازای حمایت هایی که از احزاب و جریانهای حکومتی کرده اند سهم کوچکی از کیک قدرت را از آن خود کرده اند



حسین کمالی سالهای زیادی در دولتهایی که گرایشهای مخالف هم داشته‌اند وزیر کار بوده است و با همه هم کنار آمده است. از دولت موسوی تا هاشمی و خاتمی. علی ربیعی از آغاز تاسیس شوراهای اسلامی تا تشکیل دولت روحانی در سازمانهای سرکوبگر امنیتی برای خودش موقعیت ممتازی داشته و تا معاون اول وزارت اطلاعات، وزیر کار و سخنگوی دولت دوم روحانی شرکت داشته و شوراهای اسلامی را نمایندگی می‌کرده است. علیرضا محجوب از آغاز علاوه بر دبیرکلی خانه کارگر تا سال گذشته جزء نمایندگان مجلس بوده است. عده دیگر از عوامل و رهبران شوراهای اسلامی امثال حسن صادقی در دستگاه وزارت کار و تامین اجتماعی سرکار بوده‌اند و هنوز هم هستند.

در همه دولتها آنها نقش شریک دزد و رفیق قافله را ایفا کرده‌اند. از سویی به برخی از رویکردهای کارگر ستیزانه دولتهایی که از آنها حمایت می‌کنند ایراد می‌گیرند و در نقش مخالف آن رویکردها ظاهر می‌شوند، در همان حال در مواقع لازم جانب دولت و کارفرمایان را می‌گیرند و به آنها کمک می‌کنند تا بتوانند آسانتر برنامه‌های ضد کارگری و عدالت ستیزانه شان را به عمل درآورند و تشکلهای کارگری مستقل را سرکوب کنند.

این رفتار در مورد اکثریت انجمن‌های صنفی که بنیان آنها در زمان احمدی نژاد و توسط دولت او و در رقابت با شوراهای اسلامی تحت کنترل کارگزاران و ایل و تبار رفسنجانی نهاده شد نیز صدق می‌کند. بعد از تمام شدن دوران احمدی نژاد و روی کار آمدن دولت روحانی، علی ربیعی انجمن‌های صنفی را به نفع خود و دولت روحانی مصادره و سرکردگان آنها را با سرکردگان شوراهای اسلامی ادغام و بین آنها که قبلاً رقیب هم بودند آشتی برقرار کرد و آنها را در همان مسیر شوراهای اسلامی بله قربان گوی رژیم قرار داد.

در هر کشوری که اتحادیه‌های کارگری از حق فعالیت آزاد برخوردارند و اتحادیه‌ها زیر نفوذ دولتها و سازمانهای کارفرمایی قرار ندارند. اتحادیه‌ها بدون شرط و شروط و از هیچ حزبی حمایت نمی‌کنند. آنها در صورتی از یک حزب و جریان حمایت می‌کنند که برنامه حزب مفروض با خواسته‌های کارگران و اهداف و برنامه اتحادیه انطباق داشته باشد و حزب مورد حمایت به آنها تعهد بدهد. هیچ اتحادیه‌ای هر دم بیلی از هیچ دولتی حمایت نمی‌کند، مگر آنکه رهبران آن سر سپرده بوده باشند و منافع شخصی داشته باشند.

چند هفته است که رئیسی قاتل و جنایتکار، کسی که در قتل عام هزاران تن از عدالتخواهان راستین از جمله صدها تن از رهبران کارگری و سندیکایی نقش موثری داشته است، لیست اسامی وزرایش را منتشر نموده. رئیسی حجت‌الله عبدالملکی یکی از مدیران کمیته امداد را برای وزارتخانه کار معرفی کرده است. عبدالملکی علاوه بر داشتن خط فکری و مسلکی موثله، حزبی که بیشترین نقش را در از میان برداشتن مواد حمایتی قانون کار داشته است، در برنامه اش مواردی را گنجانده که در تقابل با مواضع ظاهری خود این به اصطلاح تشکلهای قرار دارند. آدم می‌ماند که قسم حضرت عباس آنها را باور کند، یا دم خروس شان را! حمایت از وزیری با این سابقه و برنامه را هیچ‌طور دیگری جز همدستی با دشمنان طبقه کارگر نمی‌توان تعبیر کرد! کاری که این جماعت در تمام ۴۲ سال گذشته کرده‌اند و نتیجه اش همین بی حقوقی است که به کارگران تحمیل کرده‌اند. از همین روی نامنصفانه نیست اگر گفته شود این جماعت عدم وجودشان به از وجودشان برای طبقه کارگر است.

از اعتصاب سراسری و مطالبات کارگران پیمانی نفت حمایت کنیم!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



این شورا همچنین با انتشار بیانیه تازه‌ای در این هفته خواستار انجام واکسیناسیون رایگان و همگانی شد. این درخواست با اقبال گسترده‌ای نه تنها در میان کارگران، بلکه عموم مردم روبرو شد. متعاقب آن کارگران ۲۲ شرکت در عملویه با خواست واکسیناسیون فوری اعتصاب کردند و تعدادی از نهادها و گروه‌های کارگری و مدنی با انتشار بیانیه‌ای همین خواسته را از حکومت طلب نمودند. انتظار می‌رود نظر به وضعیت فاجعه‌بار کرونایی در کشور اعتراضات بیشتری را در این رابطه در روزهای آینده شاهد باشیم

ادامه اعتصاب در شرکت‌های نفتی

بنا به گزارشی که در میانه هفته جاری از طرف شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در کانال تلگرامی این نهاد کارگری منتشر شد، به رغم بازگشت به کار کارگران تعدادی از شرکتها اعتصاب در اکثر همچنان استمرار دارد.

گفتنی است که دلیل بازگشت به کار کارگران تعدادی از شرکتها، موافقت کارفرمایان با افزایش دستمزدها و ۱۰ روز مرخصی ماهانه بوده است. شورای سازماندهی اعتراضات نیز قبلاً پذیرش این دو درخواست اصلی کارگران را بعنوان پایه مذاکره جمعی پذیرفته و از آن استقبال کرده بود.

کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات، در چهارشنبه این هفته دو گزارش دیگر حاکی از عقب نشینی کارفرمایان منتشر کرد.

گزارش اول مربوط به موافقت پالایشگاه نفت لاوان است که خود نه تنها به تنهایی یک موفقیت برای کارگران تلقی می‌شود بلکه راه را برای کارگران سایر شرکتها که شرایط استخدامی مشابه دارند باز می‌کند و انگیزه مبارزاتی آنها را برای نیل به مقصود تقویت می‌کند.

وعده مدیر عامل شرکت پالایشگاه نفت لاوان به تغییر وضعیت ۵۴۰ همکار نفتی "

قرارداد استخدامی بیش از ۵۴۰ همکار مدت موقت ما در پالایشگاه نفت لاوان وضعیت استخدامی شان از قرارداد موقت به قرارداد با مدت معین تبدیل شد. این خبر به نقل از محمدعلی اخباری مدیرعامل شرکت پالایش نفت لاوان منتشر شده است. همکاران مدت موقت ما مدت‌هاست که بر خواست تبدیل وضعیت خود تاکید دارند و بخاطر آن تجمعات اعتراضی سراسری داشته‌اند. خواست اصلی این همکاران و ما کارگران اعتصابی پروژه ای نفت اینست که بساط ظلم و چپاول پیمانکاران از نفت برچیده شود و تمام قراردادهای دائمی شوند.



"

گزارش دوم مربوط به موافقت شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب با اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در این شرکت است که علاوه بر افزایش دستمزد موقعیت شغلی و درجه تخصصی کارگران شاغل را معین می کند و کارفرما دیگر نمی تواند به کارگران متخصص دستمزد کارگران ساده را بدهد و برای آنها لیست بیمه‌ای حداقلی رد کند. این عقب نشینی نیز به نوبه خود انگیزه مبارزه برای اجرای طبقه بندی در میان کارگران سایر شرکتها را لاجرم تقویت می کند و مقاومت کارفرمایان را تضعیف می نماید.

در بخش هایی از بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات دست آوردهای تا کنونی اعتصاب تشریح و گفته شده: "خیلی ها میپرسند اعتصاب ما در چه وضعیتی است و تا کی ادامه خواهد یافت. از ۲۹ خرداد ماه دور جدید اعتصاب سراسری خود را آغاز کردیم. اعتصاب ۱۱۴ مرکز نفتی استان در ۱۵ استان را در برگرفت و اکنون نزدیک به دو ماه میگذارد و در بخش بزرگی از این مراکز همچنان اعتصاب جریان دارد. اولین نکته که بسیار قابل توجه است و توجه کل جامعه را جلب کرده همین دامنه وسیع و ابعاد اعتصاب است. اعتصاب ما به فضایی از امید و همبستگی و اتحاد در جامعه دامن زده است که برای آینده و امروز ما کارگران و کل جامعه بسیار ارزش دارد و مهم و حیاتی است

هنوز خواستهای فوری ما پاسخ نگرفته است و باید به اعتصاب خود ادامه دهیم تا پاسخ بگیریم. تا همین الان نیز زیر فشار اعتصاب قدرتمند ما بوده که پیمانکاران با پیشنهاد افزایش دوبرابری دستمزد و بیست روز کار و ده روز مرخصی جلو آمدند و تعدادی از همکاران ما بر سر کار بازگشتند و ما اعلام داشتیم که در هرکجای دیگر نیز که کارگران سرکار باز میگردند نباید به کمتر از این ها رضایت دهند و این پیشروها باید مبنای توافقات سراسری همه ما کارگران در این اعتصاب سراسری باشد. و نیز مطلع هستیم که در جاهایی کارگران توانستند افزایش دستمزد را بگیرند و سر کار خود برگردند اما کارفرما با خواست بیست روز کار و ده روز مرخصی موافقت نکرد که این موضوع و دیگر مطالبات باید موضوع اعتراض آنها در محل باشد. بنا بر تخمین رقمی همکاران در محل میتوان گفت از شرکت هایی که بطور مثال صد کارگر در آنها اشتغال به کار داشته اند اکنون بیست نفری از آنان بسرکار بازگشته اند. اما چند برابر کارگران هنوز در اعتصاب بسر میبرند. گفتنی است که زیر فشار ادامه اعتصاب در حاضر در اطاقهای خوابگاهها تعداد کمتری از کارگر بسر میبرند و کارگران تاکید کرده اند که دیگر حاضر نیستند مثل گذشته در اطاقهای شلوغ و فاقد استانداردهای اولیه زیستی زندگی کنند و اگر تعداد ساکنین اطاقها بیش از ظرفیت آن بشود دوباره دست به اعتراض خواهند زد. زیر فشار این فضای اعتراضی در جاهایی که بطور مثال جارو برقی نبوده کارفرما ناگزیر به تهیه آن شده است. در برخی جاها کارگران یخچال نداشته اند، اکنون پیمانکار ناگزیر به تهیه آن شده است. نظافت و بهداشت کمپ ها نیز بهتر شده است. بعلاوه بسیاری از ما کارگران اعتصابی دستمزد سه چهار ماه خود را طلب داریم و اکنون در جاهایی حقوق ماه گذشته همکاران ما پرداخت شده است و حقوق این ماه را طلب دارند. همه این اتفاقات نتیجه اعتصاب قدرتمند ماست و چون ادامه دارد پیمانکاران دست به این عقب نشینی ها میزنند. ما کارگران اعتصابی به کمتر از مطالبات اعلام شده خود رضایت نمیدهیم

ناگفته پیداست که هر دوی این عقب نشینی ها از نتایج اعتصاب سراسری و پایداری و مقاومت کارگران روی خواسته هایشان و استمرار اعتصاب هستند

استمرار اعتصاب کارگران هفت تپه

اعتصاب کارگران حق طلب و مبارز مجتمع صنعتی - کشاورزی هفت تپه در این هفته نیز به صورت بسیار فعال و به رغم همه فشارها و تهدیدات و اقدامات عوامل اعتصاب شکن مورد حمایت از سوی کارفرما و حکومت استمرار یافت و وارد ششمین هفته خود شد

در این میان کارفرما با پرداخت یک ماه از مطالبات مزدی پرداخت نشده کارگران و دادن وعده پرداخت فوری یک ماه دیگر تلاش کرد کارگران را ترغیب به بازگشت به سر کار کند، ولی موفق نشد

کارگران که نسبت به رفتار حکومت در برخورد با مالک محکوم شده کارخانه معترض و نگران قطعی نشدن لغو خصوصی سازی هستند حاضر نیستند تا پیش از اطمینان یافتن از موافقت با خواسته هایشان به اعتصاب شان پایان دهند

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری در بندر عباس

کارگران شهرداری بندر عباس در اعتراض به تبعیض مزدی و شغلی که در مورد کارگران شرکتی و حجمی اعمال می شود تجمع و خواهان استخدام مستقیم از طرف شهرداری و رفع تبعیضات شغلی و مزدی شدند

۲هزار کارگر پیمانی شرکت برق سراسری در پی تشکیل تشکل مستقل خود برآمدند



دو هزار کارگر "سیمبان" شاغل در شرکت برق سراسری پس از سالها تلاش و مبارزه برای گرفتن حق و حقوق شان، تصمیم دارند از این پس از طریق تشکیل نهاد صنفی که قصد دارند تشکیل دهند، مطالبات شان را پیگیری کنند. کارگران به خبرگزاری ایلنا در مورد اینکه چرا تصمیم به تشکیل نهاد صنفی مستقل گرفته‌اند، گفته‌اند قصدشان از این کار؛ جلوگیری از اخراج سلیقه‌ای، وصول مطالبات مزدی معوقه و بیمه‌ای، و از آنها مهمتر پیگیری تبدیل وضعیت استخدامی سیمبانان است.

گفتنی است که تلاشهای کارگران رشته‌های مختلف شغلی برای تشکیل نهادهای سندیکایی در سالهای اخیر با وجود پیگرد پلیسی فعالین نهادهای مستقل سندیکایی تشدید شده‌اند.

بازگشت به اعتصاب در پی خلف وعده کارفرما

کارگران شرکت اکسیر صنعت تنیک که در پی موافقت کارفرما مبنی بر پذیرش افزایش دستمزد و ۱۰ روز مرخصی ماهانه در مقابل ۲۰ روز کار به اعتصاب شان خاتمه داده بودند، به دلیل اجرا نشدن قرارداد توسط کارفرما اعتصاب شان را از سر گرفتند. گفتنی است که رعایت نکردن قرارداد و توافقات به عمل آمده میان کارفرمایان و کارگران از طرف کارفرمایان بسیار رایج است و کمتر کارفرمایی هست که قراردادهای را داوطلبانه اجرا کند.

اعتراض کارگران شرکتی مراکز خدمات جامع سلامت در قم

اعتراض کارگران شرکتی مراکز خدمات... قم از ۲۳ مرداد از سر گرفته شد. کارگران معترض که از ناچیز بودن دستمزد، تبعیض و امتناع مسئولین شرکت از اجرای قانون همسان سازی حقوق هایشان و اعمال تبعیضات شغلی و مزدی ناراضی هستند، با انجام یک رشته اقدامات اعتراضی خواستار عملی کردن مطالبات شان هستند. معترضین که تحت نظر و مسئولیت ۱۷ مرکز درمانی خصوصی مشغول کارند، همچنین خواستار تبدیل وضعیت استخدامی خود از خرید خدمتی به استخدام مستقیم و انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه‌ای هستند.

سال انتظار کارگران شهرداری زنجان برای اجرای طبقه بندی مشاغل ۱۰

کارگران شهرداری زنجان در ۲۳ مرداد دوباره به دلیل پرداخت نشدن دستمزد مربوط به طبقه بندی مشاغل شان از سال گذشته تا کنون مجبور به اعتراض شدند. به گفته کارگران از ۱۰ سال پیش تا سال گذشته که مدیر کل اداره کار استان دستور پرداخت حق طبقه بندی را داد اعتراض وجود داشته است. با این حال از زمان دستور پرداخت آن تا کنون هنوز حق طبقه بندی را به کارگران پرداخت نکرده‌اند. امتناع شهرداری از پرداخت حق طبقه بندی در شرایطی از صورت می‌گیرد که گرانی و تورم امان کارگران و دیگر مزد و حقوق بگیران را بریده و در این وانگسا درخواستها برای افزایش دستمزد از جانب گروه‌های مختلف کارگری از طرف دولت تا کنون رد شده‌اند.

از هر ۱۰ ایرانی ۳ نفر شاغلند

بنا به آماري که اخيرا از طرف اداره آمار ايران منتشر شده است، از هر ۱۰ نفر ایرانی تنها ۳ نفر شاغل هستند.

بخشی از گزارش به نقل از بهار نیوز را در ذیل بخوانید

در یکسال منتهی به بهار امسال بالغ بر 700 هزار نفر به تعداد شاغلین افزوده شده است. حتی با وجود این افزایش اشتغال، اما هنوز هم سطح اشتغال در کشور بسیار پایین است، طوریکه از هر 10 ایرانی با ارفاق تنها 3 نفر دارای شغل هستند. این عدد در مقایسه با اقتصاد های پیشرفته و رو به جلو بسیار پایین است، این امر نشأت گرفته از نرخ مشارکت اقتصادی بسیار پایین در ایران است. همچنین نرخ بیکاری جوانان در بهار امسال بالغ بر 22 درصد برآورد شده است.

نرخ بیکاری در بهار 1400 حدود 8.8 درصد به ثبت رسیده است، این در حالیست که همین نرخ در بهار سال گذشته 9.8 درصد برآورد شده بود. جمعیت بیکار کشور در بهار 99 حدود 2 میلیون و هزار 505 نفر بوده که این تعداد در حال حاضر به رقم 2 و 291 هزار رسیده است. به بیان دیگر در طول یکسال گذشته 214 هزار نفر از تعداد بیکاران کاسته شده است. نرخ بیکاری فصلی به ثبت رسیده در بهار سال جاری از ابتدای سال 97 تا کنون پایین ترین نرخ بیکاری به ثبت رسیده است.

کم رنگ شدن شوک کرونا به اقتصاد و کنار آمدن اقتصاد با شرایط کرونایی همچنین رونق بخش صنعت در سال 99 را می‌توان از عمده دلایل کاهش نرخ بیکاری در اولین فصل سال 1400 دانست.

افزایش نرخ بیکاری زنان

نرخ بیکاری مردان در بهار 1400 حدود 7.5 درصد رقم خورده است، این نرخ در فصل مشابه سال قبل 9 درصد به ثبت رسیده بود. بر این اساس جمعیت بیکار مردان حدود یک میلیون 622 هزار نفر برآورد می‌شود. نرخ بیکاری زنان از 13.7 درصد در



بهار ۹۹ به ۱۵.۶ درصد در بهار سال جاری رسیده است. در میان اقشار و گروه های مختلف سنی گروه زنان تنها گروهی است که نرخ بیکاری آن در بهار امسال نسبت به بهار ۹۹ افزایش را تجربه کرده است

جان باختن ۱۴۰ پرستار در اثر کرونا

به گفته محمد میرزابیگی رئیس کل سازمان نظام پرستاری ۱۴۰ پرستار در اثر کرونا جان شان را از دست داده و ۱۲۵ هزار تن نیز به کرونا مبتلا شده‌اند. او این ارقام را در نامه‌ای که برای رئیسی نوشته و متن آن در پنجشنبه این هفته در خبرگزاری ایسنا منتشر شد اعلام کرد. محمد میرزابیگی در این نامه ۱۰ خواست پرستاران را نیز مطرح نموده. این خواسته ها با وجود اعتراضاتی که تا کنون برای پذیرفته شدن شان توسط پرستاران صورت گرفته هنوز عملی نشده‌اند. مهمترین خواسته‌های مطرح شده در نامه، استخدام رسمی، ابطال قراردادهای ۸۹ روزه، تسریع در برقراری و پرداخت فوق‌العاده خاص و افزایش حق جذب، اعمال امتیازات ایثارگری برای کلیه مدافعین سلامت، اجرای سریع و بدون فوت وقت قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری، تسریع در تزریق دوز سوم واکسن به مدافعین سلامت و تزریق واکسن کرونا به تمام اعضای خانواده‌های مدافعین سلامت و تسریع در بکارگیری سهمیه‌های استخدامی در مدتی کوتاه و تزریق نیروی تازه نفس به بیمارستان‌ها و تیم بالینی، اعمال بخشودگی مالیات بر حقوق مدافعین سلامت تا پایان کرونا و تا زمان برگشت در آمد بیمارستان‌ها به شرایط عادی هستند

سپیده قلیان به مرخصی درمانی فرستاده شد

سپیده قلیان زندانی مقاوم در بند در زندان بوشهر که به دلیل مقاومت سرافرانه اش به زندان بوشهر، ۶۰۰ کیلومتر دورتر از خانواده‌اش تبعید شده بود در میانه این هفته و به دلیل ابتلا به کرونا به مرخصی آمد. مقدم اش گرامی و به امید آزاد شدن همیشگی او و دیگر زندانیان سیاسی و کارگری

از مبارزات کارگران و مزبگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

کار یا پرداخت حقوق بیکاری به همه بیکاران!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگرگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>